



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

پرتوی از

سیره و سیمای

امام موسی کاظم علیه السلام

محمد علی خادمی کوشا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرتوی از سیره و سیمای امام موسی کاظم (علیه السلام)

نویسنده:

محمدعلی خادمی کوشا

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	پرتوی از سیره و سیمای امام موسی کاظم(علیه السلام)
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه
۹	سخن چینی درباره امام
۱۰	صفات برجسته امام کاظم
۱۰	بعد از شهادت
۱۱	چهل حدیث
۱۱	اشاره
۱۱	تعقل و معرفت
۱۱	حجت ظاهری و باطنی
۱۱	صبر و گوشه گیری از اهل دنیا
۱۱	عاقلان آینده نگر
۱۱	تضرع برای عقل
۱۲	دیدار با مؤمن برای خدا
۱۲	مروت، عقل و بهای آدمی
۱۲	حفظ آبروی مردم
۱۲	عوامل نزدیکی و دوری به خدا
۱۲	عاقل دروغ نمی گوید
۱۲	حکمت کم گویی و سکوت
۱۳	هرزه گویی بی حیا
۱۳	متکبر، داخل بهشت نمی شود
۱۳	تقسیم کار در شبانه روز

- ۱۳ همنشینی با دیندار و عاقل خیرخواه
- ۱۳ پرهیز از انس زیاد با مردم
- ۱۳ نتیجه حب دنیا
- ۱۴ پرهیز از طمع و تکیه بر توکل
- ۱۴ نتایج امانتداری و راستگویی
- ۱۴ سقوط برتری جوی
- ۱۴ حقیقی و باطل ستیزی
- ۱۴ تناسب بلا و ایمان
- ۱۴ کفاره خدمت به حاکمان
- ۱۴ نافله و تقرب
- ۱۴ اصلاح و گذشت
- ۱۵ بهترین صدقه
- ۱۵ سختی ناحق
- ۱۵ گناهان تازه، بلاهای تازه
- ۱۵ کلید بصیرت
- ۱۵ دنیا، بهترین وسیله
- ۱۵ انتظار فرج
- ۱۵ مهرورزی با مردم
- ۱۵ پرهیز از خشم
- ۱۶ قویترین مردم
- ۱۶ ترقی، نه درجا زدن
- ۱۶ خیر رسانی به دیگران
- ۱۶ پرهیز از شوخی
- ۱۶ پند پدیده ها

۱۶ رنج نادیده، نیکی را نمی فهمد

۱۶ محاسبه اعمال

۱۶ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

پرتوی از سیره و سیمای امام موسی کاظم (علیه السلام)

مشخصات کتاب

عنوان: پرتوی از سیره و سیمای امام موسی کاظم (علیه السلام)
 پدید آورندگان: خادمی کوشا، محمدعلی، ۱۳۵۰- (پدید آور)
 امام هفتم موسی بن جعفر (ع) (توصیف گر)

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

صاحب محتوا: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

توصیفگر: تاریخ اسلام

احادیث

سیره معصومین

وضعیت نشر: قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

ویرایش: -

خلاصه:

مخاطب:

یادداشت: ،ملزومات سیستم: ویندوز ۹۸+؛ با پشتیبانی متون عربی؛ +IE۶ شیوه دسترسی: شبکه جهانی وبعنوان از روی صفحه

نمایش عنوان داده های الکترونیکی

شناسه: oai.tebyan.net/۲۶۰۳۵

تاریخ ایجاد رکورد: ۱۳۸۸/۹/۲۲

تاریخ تغییر رکورد: -

تاریخ ثبت: ۱۳۸۹/۷/۳

قیمت شیء دیجیتال: رایگان

مقدمه

حضرت امام موسی بن جعفر (علیه السلام)، معروف به کاظم و باب الحوائج و عبد صالح در روز یکشنبه ۷ صفر سال ۱۲۸ قمری در روستای «ابواء»، دهی در بین مکه و مدینه، متولد گردید. نام مادر آن حضرت، حمیده است. آن حضرت در ۲۵ رجب سال ۱۸۳ قمری، در زندان هارون الرشید عباسی در بغداد، در ۵۵ سالگی به دستور هارون مسموم گردید و به شهادت رسید. مرقد شریفش در کاظمین، نزدیک بغداد، زیارتگاه شیفتگان حضرتش می باشد. امام موسی بن جعفر همان راه و روش پدرش حضرت صادق (علیه السلام) را بر محور برنامه ریزی فکری و آگاهی عقیدتی و مبارزه با عقاید انحرافی، ادامه داد. آن حضرت با دلائل استوار، بی مایگی افکار الحادی را نشان می داد و منحرفان را به اشتباه راه و روششان آگاه می ساخت. کم کم جنبش فکری امام (علیه السلام)

درخشندگی یافت و قدرت علمی اش دانشمندان را تحت الشعاع خود قرار داد. این کار بر حاکمان حکومت عباسی سخت و گران آمد و به همین دلیل با شیفتگان مکتبش با شدت و فشار و شکنجه برخورد کردند. از اینرو، امام کاظم (علیه السلام) به یکی از شاگردان معروفش به نام هشام هشدار داد به خاطر خطرهای موجود، از سخن گفتن خودداری کند و هشام هم تا هنگام مرگ خلیفه از بحث و گفتگو خودداری کرد. ابن حجر هیتمی گوید: «موسی کاظم وارث علوم و دانش های پدر و دارای فضل و کمال او بود وی در پرتو عفو و گذشت و بردباری فوق العاده که در رفتار با مردم نادان زمان از خود نشان داد، لقب کاظم یافت، و در زمان او هیچ کس در معارف الهی و دانش و بخشش به پایه او نمی رسید.» امام کاظم (علیه السلام) در برابر دستگاه ظلم و ستم عباسی موضع سلبی و منفی را در پیش گرفت و دستور داد تا شیعیان در دعاوی و منازعات خود، به دستگاه دولتی روی نیاورند و به آنان شکایت نبرند و سعی کنند با قرار دادن قاضی تحکیم در میان خویش، منازعات را فیصله دهند. امام (علیه السلام) درباره حاکمان غاصب زمانش فرمود: «هر کس بقای آنان را دوست داشته باشد از آنان است و هر کس از آنان باشد وارد آتش گردد.» بدین وسیله آن حضرت، خشم و نارضایتی خود را از حکومت هارون پیاپی ابراز می فرمود و همکاری با آنان را در هر صورت حرام می دانست و اعتماد و تکیه بر آنان را منع می کرد و می فرمود: «بر آنان که ستمکاراند تکیه نکنید که گرفتار دوزخ می شوید.» امام کاظم (علیه السلام)، علی بن یقظین، یکی از یاران نزدیک خویش را از این فرمان استثنا کرد و اجازت داد تا منصب وزرات را در روزگار هارون عهده دار گردد و پیش از او، منصب زمامداری را در ایام مهدی بپذیرد. او نزد امام موسی (علیه السلام) رفت و از او اجازت خواست تا استعفا دهد و منصب خود را ترک کند، اما امام او را از این کار بازداشت و به او گفت: «چنین مکن، برادران تو به سبب تو عزت دارند و به تو افتخار می کنند، شاید به یاری خدا بتوانی شکست ها را درمان کنی و دست بینوایی را بگیری یا به دست تو، مخالفان خدا درهم شکسته شوند. ای علی! کفاره و تاوان شما، خوبی کردن به برادران است، یک مورد را برای من تضمین کن، سه مورد را برایت تضمین می کنم، نزد من ضامن شو که هر یک از دوستان ما را دیدی نیاز او را برآوری و او را گرامی داری و من ضامن می شوم که هرگز سقف زندانی بر تو سایه نیفکند و دم هیچ شمشیر به تو نرسد و هرگز فقر به سرای تو پای نگذارد. ای علی! هر کس مؤمنی را شاد سازد، اول خدای را و دوم پیامبر را و در مرحله سوم ما را شاد کرده است.»

سخن چینی درباره امام

پاره ای از فعالیت های امام کاظم (علیه السلام) به وسیله سخن چینان به هارون الرشید می رسید و این امر، کینه و خشم او را برمی انگیخت. یک بار به او خبر دادند که از سراسر جهان اسلام، اموالی هنگفت نزد امام موسی بن جعفر (علیه السلام) جمع آوری می گردد و از شرق و غرب برای او حمل می شود و او را چندین بیت المال است. هارون به دستگیری امام (علیه السلام) و زندانی کردن او فرمان داد، یحیی برمکی آگاه شد که امام (علیه السلام) در پی کار خلافت برای خویش افتاده است و به پایگاه های خود در همه نقاط کشور اسلامی نامه می نویسد و آنان را به سوی خویش دعوت می کند و از مردم می خواهد که بر ضد حکومت قیام کنند، یحیی به هارون خبر داد و او را علیه امام (علیه السلام) تحریک کرد. هارون امام را به زندان افکند و از شیعیانش جدا ساخت و امام (علیه السلام) روزگاری دراز، شاید حدود چهارده سال، در زندان هارون گذراند. امام (علیه السلام) در زندان نامه ای به هارون فرستاد و در آن نامه نفرت و خشم خود را به او ابراز فرمود، متن نامه چنین است: «هرگز بر من روزی پربلا نمی گذرد، که بر تو روزی شاد سپری می گردد، ما همه در روزی که پایان ندارد مورد حساب قرار می گیریم و آنجاست که مردم فاسد زیان خواهند دید.» امام کاظم (علیه السلام) در زندان، شکنجه ها و رنجهای فراوان را تحمل کرد، دست و پای مبارکش را به زنجیر می بستند و آزارهای کشنده بر او روا می داشتند. سرانجام زهری کشنده به او خوراندند و مظلومانه او را به شهادت رساندند.

صفات برجسته امام کاظم

حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) عابدترین و زاهدترین، فقیه ترین، سخی ترین و کریم ترین مردم زمان خود بود، هر گاه دو سوم از شب می گذشت نمازهای نافله را به جا می آورد و تا سپیده صبح به نماز خواندن ادامه می داد و هنگامی که وقت نماز صبح فرا می رسید، بعد از نماز شروع به دعا می کرد و از ترس خدا آن چنان گریه می کرد که تمام محاسن شریفش به اشک آمیخته می شد و هر گاه قرآن می خواند مردم پیرامونش جمع می شدند و از صدای خوش او لذت می بردند. آن حضرت، صابر، صالح، امین و کاظم لقب یافته بود و به عبد صالح شناخته می شد، و به خاطر تسلط بر نفس و فروبردن خشم، به کاظم مشهور گردید. مردی از تبار عمر بن الخطاب در مدینه بود که او را می آزرده و علی (علیه السلام) را دشنام می داد. برخی از اطرافیان به حضرت گفتند: اجازه ده تا او را بکشیم، ولی حضرت به شدت از این کار نهی کرد و آنان را شدیداً سرزنش فرمود. روزی سراغ آن مرد را گرفت، گفتند: در اطراف مدینه، به کار زراعت مشغول است. حضرت سوار بر الاغ خود وارد مزرعه وی شد. آن مرد فریاد برآورد: زراعت ما را خراب مکن، ولی امام به حرکت خود در مزرعه ادامه داد وقتی به او رسید، پیاده شد و نزد وی نشست و با او به شوخی پرداخت، آن گاه به او فرمود: چقدر در زراعت خود از این بابت زیان دیدی؟ گفت: صد دینار. فرمود: حال انتظار داری چه مبلغ از آن عایدت شود؟ گفت: من از غیب خبر ندارم. امام به او فرمود: پرسیدم انتظار داری چه مبلغ از آن عایدت شود؟ گفت: انتظار دارم دویست دینار عایدم شود. امام به او سیصد دینار داد و فرمود: زراعت تو هم سر جایش هست. آن مرد برخاست و سر حضرت را بوسید و رفت. امام به مسجد رفت و در آنجا آن مرد را دید که نشسته است. وقتی آن حضرت را دید، گفت: خداوند می داند که رسالتش را در کجا قرار دهد. یارانش گرد آمدند و به او گفتند: داستان از چه قرار است، تو که تا حال خلاف این را می گفتی. او نیز به دشنام آنها و به دعا برای امام موسی (علیه السلام) پرداخت. امام (علیه السلام) نیز به اطرافیان خود که قصد کشتن او را داشتند فرمود: آیا کاری که شما می خواستید بکنید بهتر بود یا کاری که من با این مبلغ کردم؟ و بسیاری از این گونه روایات، که به اخلاق والا و سخاوت و شکیبایی آن حضرت بر سختیها و چشم پوشی ایشان از مال دنیا اشارت می کند، نشانگر کمال انسانی و نهایت عفو و گذشت آن حضرت است.

بعد از شهادت

سندی بن شاهک، به دستور هارون الرشید، سمی را در غذای آن حضرت گذارد و امام (علیه السلام) از آن غذا خورد و اثر آن در بدن مبارکش کارگر افتاد و بیش از سه روز مهلتش نداد. وقتی امام به شهادت رسید، سندی گروهی از فقها و بزرگان بغداد را بر سر جنازه اش آورد و به ایشان گفت: به او نگاه کنید، آیا در وی اثری از ضربه شمشیر یا اصابت نیزه می بینید؟ گفتند: ما از این آثار چیزی نمی بینیم و از آنها خواست که بر مرگ طبیعی او شهادت دهند و آنها نیز شهادت دادند! آن گاه جسد شریف آن حضرت را بیرون آورده و آن را بر جسر (پل) بغداد نهادند و دستور داد که ندا دهند: این موسی بن جعفر است که مرده است، نگاه کنید. عابران به او نگاه می کردند و اثری از چیزی که نشان دهنده کشتن او باشد، نمی دیدند. یعقوبی در تاریخش می گوید: پس از آن که امام کاظم (علیه السلام) مدت درازی را در زندان های تاریک هارون الرشید گذراند، به ایشان گفته شد: چطور است که به فلان کس نامه ای بنویسی تا درباره تو با رشید صحبت کند؟ امام فرمود: پدرم به نقل از پدرانم حدیث کرده: «خداوند به داود (علیه السلام) سفارش کرده که هر گاه بنده ای، به یکی از بندگان من امید بست، همه ی درهای آسمان به رویش بسته می شود و زمین زیر پایش خالی می گردد.» در مدت زندان آن حضرت، اقوال مختلفی وجود دارد. آن حضرت، چهار سال یا هفت سال یا ده سال یا به قولی چهارده سال در زندان به سر برده است. حضرت امام موسی کاظم، سی و هفت فرزند پسر و دختر از خود به جای

گذارده که والاترینشان حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) می باشد. از میان کلمات و سخنان ارزنده حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام)، چهل حدیث را برگزیدم که هر یک با نورانیت ویژه اش، روشنگر دلهای اهل ایمان و پاکبختگان وادی حقیقت و عرفان است.

چهل حدیث

اشاره

قال الامام الكاظم (علیه السلام):

تعقل و معرفت

«ما بعث الله أنبياءه و رسله إلى عباده إلا- ليعقلوا عن الله، فأحسنهم استجابةً أحسنهم معرفةً لله، و أعلمهم بأمر الله أحسنهم عقلاً و أعقلهم أرفعهم درجةً في الدنيا و الآخرة.»: خداوند پیامبران و فرستادگانش را به سوی بندگانش بر نینگیخته، مگر آن که از طرف خدا تعقل کنند. پس نیکوترینشان از نظر پذیرش، بهترینشان از نظر معرفت به خداست، و داناترینشان به کار خدا، بهترینشان از نظر عقل است، و عاقلترین آنها، بلند پایه ترینشان در دنیا و آخرت است.

حجت ظاهری و باطنی

«إن لله على الناس حجتين، حجةً ظاهرةً و حجةً باطنيةً، فأما الظاهرة فالرسل و الانبياء و الائمة و أما الباطنة فالعقول.»: همانا برای خداوند بر مردم دو حجت است، حجت آشکار و حجت پنهان، اما حجت آشکار عبارت است از: رسولان و پیامبران و امامان و حجت پنهانی عبارت است از عقول مردمان.

صبر و گوشه گیری از اهل دنیا

«ألصبر على الوحدة علامة قوة العقل، فمن عقل عن الله تبارك و تعالی إعتزل أهل الدنيا و الراغبين فيها و رغب فيما عند ربه و كان الله آنسه في الوحشة و صاحبه في الوحدة، و غناه في العيلة و معزه في غير عشيرة.»: صبر بر تنهایی، نشانه قوت عقل است، هر که از طرف خداوند تبارک و تعالی تعقل کند از اهل دنیا و راغبین در آن کناره گرفته و بدانچه نزد پروردگارش است رغبت نموده، و خداوند در وحشت انیس اوست و در تنهایی یار او، و توانگری او در نداری و عزت او در بی تیره و تباری است.

عاقلان آینده نگر

«إن العقلاء زهدوا في الدنيا و رغبوا في الآخرة لانهم علموا أن الدنيا طالبة و مطلوبة و الآخرة طالبة و مطلوبة من طلب الآخرة طلبته الدنيا حتى يستوفى منها رزقه، و من طلب الدنيا طلبته الآخرة فيأتيه الموت فيفسد عليه دنياه و آخرته.»: به راستی که عاقلان، به دنیا بی رغبتند و به آخرت مشتاق زیرا می دانند که دنیا خواهانست و خواسته شده و آخرت هم خواهانست و خواسته شده، هر که آخرت خواهد دنیا او را بخواهد تا روزی خود را از آن دریافت کند، و هر که دنیا را خواهد آخرتش به دنبال است تا مرگش رسد و دنیا و آخرتش را بر او تباه کند.

تضرع برای عقل

«من أراد الغنى بلا مال و راحة القلب من الحسد و السلامة في الدين فليتضرع إلى الله في مسأله بأن يكمل عقله، فمن عقل قنع بما يكفيه و من قنع بما يكفيه استغنى و من لم يقنع بما يكفيه لم يدرك الغنى أبداً.» هر کس بی نیازی خواهد بدون دارایی، و آسایش دل خواهد بدون حسد، و سلامتی دین طلبد، باید به درگاه خدا زاری کند و بخواهد که عقلش را کامل کند، هر که خرد ورزد، بدانچه کفایتش کند قانع باشد. و هر که بدانچه او را بس باشد قانع نشود، بی نیاز گردد. و هر که بدانچه او را بس بود قانع نشود، هرگز به بی نیازی نرسد.

دیدار با مؤمن برای خدا

«من زار أخاه المؤمن لله لا- لغيره، ليطلب به ثواب الله و تنجز ما وعده الله عزوجل و كل الله عزوجل به سبعين ألف ملك من حين يخرج من منزله حتى يعود إليه ينادونه: ألا طبت و طابت لك الجنة، تبوات من الجنة منزلاً.» هر کس - فقط برای خدا نه چیز دیگر - به دیدن برادر مؤمنش رود تا به پاداش و وعده های الهی برسد، خداوند متعال، از وقت خروجش از منزل تا برگشتن او، هفتاد هزار فرشته بر او گمارد که همه ندایش کنند: هان! پاک و خوش باش و بهشت برایت پاکیزه باد که در آن جای گرفتی.

مروت، عقل و بهای آدمی

«لا دين لمن لا مروءة له، و لا مروءة لمن لا عقل له، و إن أعظم الناس قدرًا الذي لا يرى الدنيا لنفسه خطرًا، أما إن أبدانكم ليس لها ثمن إلا الجنة، فلا تبيعوها بغيرها. کسی که جوانمردی ندارد، دین ندارد و هر که عقل ندارد، جوانمردی ندارد. به راستی که با ارزشترین مردم کسی است که دنیا را برای خود مقامی نداند، بدانید که بهای تن شما مردم، جز بهشت نیست، آن را جز بدان مفروشید.

حفظ آبروی مردم

«من كف نفسه عن أعراض الناس أقاله الله عثرته يوم القيامة و من كف غضبه عن الناس كف الله عنه غضبه يوم القيامة.» هر که خود را از آبروریزی مردم نگهدارد، خدا در روز قیامت از لغزشش می گذرد، و هر که خشم خود را از مردم باز دارد، خداوند در روز قیامت خشمش را از او باز دارد.

عوامل نزدیکی و دوری به خدا

«أفضل ما يتقرب به العبد إلى الله بعد المعرفة به الصلاة و بر الوالدين و ترك الحسد و العجب و الفخر.» بهترین چیزی که به وسیله آن بنده به خداوند تقرب می جوید، بعد از شناختن او، نماز و نیکی به پدر و مادر و ترک حسد و خودبینی و به خود بالیدن است.

عاقل دروغ نمی گوید

«إن العاقل لا يكذب و إن كان فيه هواه.» همانا که عاقل دروغ نمی گوید، گرچه طبق میل و خواسته او باشد.

حکمت کم گویی و سکوت

«قله المنطق حكم عظيم، فعليكم بالصمت، فإنه دعة حسنة و قلة وزر، و خفة من الذنوب.» کم گویی، حکمت بزرگی است، بر شما باد به خموشی که شیوه ای نیکو و سبک بار و سبب تخفیف گناه است.

هرزه گویی بی حیا

«إن الله حرم الجنة على كل فاحش قليل الحياء لا يبالي ما قال ولا ما قيل له.»: همانا خداوند بهشت را بر هر هرزه گو گو حیا که باکی ندارد چه می گوید و یا به او چه گویند حرام گردانیده است.

متکبر، داخل بهشت نمی شود

«إياك و الكبر، فإنه لا- يدخل الجنة من كان في قلبه مثقال حبة من كبر.»: از کبر و خودخواهی بپرهیز، که هر کسی در دلش به اندازه دانه ای کبر باشد، داخل بهشت نمی شود.

تقسیم کار در شبانه روز

«اجتهدوا في أن يكون زمانكم أربع ساعات: ساعة لمناجاة الله، وساعة لمرالمعاش، وساعة لمعاشره الاخوان والثقاء الذين يعرفونكم عيوبكم ويخلصون لكم في الباطن، وساعة تخلون فيها للذاتكم في غير محرم وبهذه الساعة تقدرتون على الثلاث ساعات.»: بکوشید که اوقات شبانه روزی شما چهار قسمت باشد: ۱- قسمتی برای مناجات با خدا، ۲- قسمتی برای تهیه معاش، ۳- قسمتی برای معاشرت با برادران و افراد مورد اعتماد که عیبهای شما را به شما می فهمانند و در دل به شما اخلاص می ورزند، ۴- و قسمتی را هم در آن خلوت می کنید برای درک لذتهای حلال [و تفریحات سالم] و به وسیله انجام این قسمت است که بر انجام وظایف آن سه قسمت دیگر توانا می شوید.

همنشینی با دیندار و عاقل خیر خواه

«مجالسة أهل الدين شرف الدنيا والاخرة، و مشاوره العاقل الناصح يمن و برکة و رشد و توفيق من الله، فإذا أشار عليك العاقل الناصح فإياك و الخلاف فإن في ذلك العطب.»: همنشینی اهل دین، شرف دنیا و آخرت است، و مشورت با خردمند خیر خواه، یمن و برکت و رشد و توفیق از جانب خداست، چون خردمند خیر خواه به تو نظری داد، مبادا مخالفت کنی که مخالفتش هلاکت بار است.

پرهیز از انس زیاد با مردم

«إياك و مخالطة الناس و الانس بهم إلا أن تجد منهم عاقلاً و مأموناً فآنس به و اهرب من سائرهم كهربك من السباع الضارية.»: بپرهیز از معاشرت با مردم و انس با آنان، مگر این که خردمند و امانتداری در میان آنها بیابی که [در این صورت] با او انس گیر و از دیگران بگریز، به مانند گریز تو از درنده های شکاری.

نتیجه حب دنیا

«من أحب الدنيا ذهب خوف الاخرة من قلبه و ما أوتى عبد علمًا فازداد للدنيا حبًا إلا ازداد من الله بعدًا و ازداد الله عليه غضبًا.»: هر که دنیا را دوست بدارد، خوف آخرت از دلش برود، و به بنده ای دانشی ندهند که به دنیا علاقه مندتر شود، مگر آن که از خدا دورتر و مورد خشم او قرار گیرد.

پرهیز از طمع و تکیه بر توکل

«إياك و الطمع، و عليك باليأس مما في أيدي الناس، و أمت الطمع من المخلوقين، فإن الطمع مفتاح للذل، و اختلاس العقل و اختلاق المروات، و تدنيس العرض و الذهاب بالعلم. و عليك بالاعتصام بربك و التوكل عليه. از طمع پرهیز، و بر تو باد به ناامیدی از آنچه در دست مردم است، طمع را از مخلوقین ببر که طمع، کلید خواری است، طمع، عقل را می رباید و مردانگی را نابود کند و آبرو را می آلود و دانش را از بین می برد. بر تو باد که به پروردگارت پناه بری و بر او توکل کنی.

نتایج امانتداری و راستگویی

«أداء الأمانة و الصدق يجلبان الرزق، و الخيانة و الكذب يجلبان الفقر و النفاق.»: امانتداری و راستگویی، سبب جلب رزق و روزی اند، و خیانت و دروغگویی، سبب جلب فقر و دورویی.

سقوط برتری جوی

«إذا أَرَادَ اللهُ بِالذَّرَّةِ شَرًّا أَنْبَتَ لَهَا جَنَاحِينَ، فَطَارَتْ فَأَكَلَهَا الطَّيْرُ.»: هر گاه خداوند بدی مورچه را بخواهد، به او دو بال می دهد که پرواز کند تا پرنده ها او را بخورند.

حقیقی و باطل ستیزی

«إتق الله و قل الحق و إن كان فيه هلاكك فإن فيه نجاتك إتق الله و دع الباطل و إن كان فيه نجاتك، فإن فيه هلاكك.»: از خدا بترس و حق را بگو، اگرچه نابودی تو در آن باشد. زیرا که در واقع، نجات تو در آن است. از خدا بترس و باطل را واگذار، اگرچه نجات تو در آن باشد، زیرا که در واقع، نابودی تو در آن است.

تناسب بلا و ایمان

«المؤمن مثل كفتي الميزان كلما زيد في إيمانه زيد في بلائه.»: مؤمن همانند دو کفه ترازوست، هر گاه به ایمانش افزوده گردد، به بلایش افزوده گردد.

کفاره خدمت به حاکمان

«كفارة عمل السلطان أحسان إلى الاخوان.»: کفاره کارمندی سلطان، احسان به برادران دینی است.

نافله و تقرب

«صلاة النوافل قربان الى الله لكل مؤمن....»: نماز نافله راه نزدیک شدن هر مؤمنی به خداوند است....

اصلاح و گذشت

«ينادي مناد يوم القيمة: ألا- من كان له على الله أجر فليقم، فلا- يقوم إلا من عفى و أصلح، فأجره على الله.»: ندا کننده ای در روز قیامت ندا می کند: آگاه باشید، هر که را بر خدا مزدی است برخیزد، و بر نمی خیزد، مگر کسی که گذشت کرده و اصلاح بین مردم

نموده باشد، پس پاداشش با خدا خواهد بود.

بهترین صدقه

«عونک للضعیف من أفضل الصدقة.» کمک کردن به ناتوان از بهترین صدقه است.

سختی ناحق

«يعرف شدة الجور من حکم به عليه.» سختی ناحق را آن کس شناسد که بدان محکوم گردد.

گناهان تازه، بلاهای تازه

«كلما أحدث الناس من الذنوب ما لم يكونوا يعملون أحدث الله لهم من البلاء ما لم يكونوا يعدون.» هر گاه مردم گناهان تازه کنند که نمی کردند، خداوند بلاهایی تازه به آنها دهد که به حساب نمی آوردند.

کلید بصیرت

«تفقهوا في دين الله فإن الفقه مفتاح البصيرة، و تمام العبادۀ و السبب إلى المنازل الرفيعة و الرتب الجلیلة في الدين و الدنيا، و فضل الفقيه على العابد كفضل الشمس على الكواكب، و من لم يتفقه في دينه لم يرض الله له عملاً.» در دین خدا دنبال فهم عمیق باشید، زیرا که فهم عمیق دین، کلید بصیرت و بینایی و کمال عبادت و سبب تحصیل درجات بلند و مراتب بزرگ در امور دین و دنیا است. و برتری فقیه بر عابد، مانند برتری آفتاب است بر کواکب، و کسی که در دینش فهم عمیق نجوید، خداوند هیچ عملی را از او نپسندد.

دنیا، بهترین وسیله

«إجعلوا لانفسكم حظاً من الدنيا بإعطائها ما تشتهي من الحلال و ما لا يثلم المروءة و ما لا سرف فيه، و استعينوا بذلك على أمور الدين، فإنه روى «ليس منا من ترك دنياه لدینه أو ترك دینه لدنياه.» برای خود بهره ای از دنیا بگیرید و آنچه خواهش حلال باشد و رخنه در جوانمردی ایجاد نکند و اسراف نباشد منظور دارید، و به این وسیله برای انجام امور دین یاری جوید. زیرا که روایت شده است: «از ما نیست کسی که دنیایش را برای دینش ترک گوید یا دینش را برای دنیایش رها سازد.»

انتظار فرج

«أفضل العبادۀ بعد المعرفة إنتظار الفرج.» بهترین عبادت بعد از شناخت خداوند، انتظار فرج و گشایش است.

مهرورزی با مردم

«ألتودد إلى الناس نصف العقل.» مهرورزی و دوستی با مردم، نصف عقل است.

پرهیز از خشم

«من کف غضبه عن الناس كف الله عنه عذاب يوم القيامة.» هر که خشم خود را از مردم باز دارد، خداوند عذاب روز قیامت را از او باز می‌دارد.

قویترین مردم

«من أراد أن يكون أقوى الناس فليتوكل على الله.» هر که می‌خواهد که قویترین مردم باشد بر خدا توکل نماید.

ترقی، نه درجا زدن

«من استوی يومه فهو مغبون، و من كان آخر يوميه شرهما فهو ملعون و من لم يعرف الزيادة في نفسه فهو في نقصان، و من كان إلى النقصان فالموت خير له من الحياة.» کسی که دو روزش مساوی باشد، مغبون است، و کسی که دومین روزش، بدتر از روز اولش باشد ملعون است، و کسی که در خودش افزایش نبیند در نقصان است، و کسی که در نقصان است مرگ برای او بهتر از زندگی است.

خیر رسانی به دیگران

«إن من أوجب حق أخيك أن لا تكتمه شيئاً ينفعه لامر دنياه و لامر آخرته.» همانا واجبترین حق برادرت بر تو آن است که چیزی را که سبب نفع دنیا و آخرت اوست، از او پنهان و پوشیده نداری.

پرهیز از شوخی

«إياك و المزاح فإنه يذهب بنور إيمانك.» از شوخی [بی مورد] پرهیز، زیرا که شوخی، نور ایمان تو را می‌برد.

پند پدیده‌ها

«ما من شيء تراه عينك إلا و فيه موعظة.» چیزی نیست که چشمانت آن را بنگرد، مگر آن که در آن پند و اندرزی است.

رنج نادیده، نیکی را نمی‌فهمد

«من لم يجد للاساءة مضماً لم يكن عنده للاحسان موقع.» کسی که مزه رنج و سختی را نچشیده، نیکی و احسان در نزد او جایگاهی ندارد.

محاسبه اعمال

«ليس منا من لم يحاسب نفسه في كل يوم فإن عمل حسنًا استزاد الله و إن عمل سيئًا استغفر الله منه و تاب إليه.» از ما نیست کسی که هر روز حساب خود را نکند، پس اگر کار نیکی کرده است از خدا زیادی آن را بخواهد، و اگر در آن کار بدی کرده، از خدا آمرزش طلب نموده و به سوی او توبه نماید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

